



اگر زن و مرد زمینه و
استعداد مجرمانه ای
داشته باشند، به دلیل
استمرار رابطه زناشویی
و تقلید و الگوبرداری
رفتاری از یکدیگر، به
مرور تجارب و آموزه های
مجرمانه را به یکدیگر
منتقل کرده و در نتیجه
زمینه تبانی و طراحی
و بروز استعداد های
مجرمانه آنها در
قالب همدستی ها و
مشارکت های جنایی
فراهم می شود



نگاه کارشناس

علل مشارکت زنان در جرایم ارتكابی مردان

همچنین تغییر سبک زندگی از الگوی سنتی به الگوی صنعتی و فناورانه تحت تأثیر فضای مجازی، ماهواره و اینترنت و حتی ملاک ها و معیارهای اشتباه در همسرگزینی نیز از علت های دیگر ازدیاد این آسیب اجتماعی و ترویج آن در جامعه است. بر اساس تئوری «معاشرت ترجیحی» جرم شناس معروف، ادوین ساترلند، انسان در طول زندگی خود با گروه های اجتماعی متفاوتی نظیر خانواده، همسر، دوستان، همکلاسی ها، همبازی ها و ... معاشرت کرده و تحت تأثیر رفتارهای آنان قرار می گیرد که در برخی موارد خلاف قانون و ناسازگار با هنجارهاست. در این میان، اگر ناهنجاری ها بر سازگاری ها غلبه پیدا کند، فردی که با این گروه ها معاشرت می کند، الگوهای ناسازگار را ترجیح داده و در نتیجه به سمت بزهکاری سوق پیدا می کند.

از منظر فردی و بعد جنسیتی نیز می توان گفت جایگاه و سبک زندگی، نوع پوشش و شیوه رفتاری زنان نیز می تواند آثار بسیاری از جرایم را پنهان و مخفی کند یا وقوع بسیاری از جرایم را تسهیل کند. شاید به همین دلیل است که مردان ترجیح می دهند از قوه زنانگی آنها در ارتکاب جرایم مختلف استفاده کنند. گفته می شود از نظر زیستی و بیولوژیکی، زنان توانایی جسمی چندانی در مقایسه با مردان ندارند، بنابراین نمی توانند مانند آنها به مقابله، ستیزه جویی و برخورد با دیگران بپردازند. از طرفی حس انتقام گیری بسیار شدیدی در بین زنان حاکم است یا این که زنان دارای حس اغواگری شدیدی هستند و به همین دلایل، در مواردی زنان ترجیح می دهند در بزهکاری های مردان شریک شده یا به شراکت ترغیب و تحریک یا حتی در مواردی مانند خیانت زن به شوهر تهدید به مشارکت شوند.

به نظر می رسد اگر زن و مرد زمینه و استعداد مجرمانه ای داشته باشند، به دلیل استمرار رابطه زناشویی و تقلید و الگوبرداری رفتاری از یکدیگر، به مرور تجارب و آموزه های مجرمانه را به یکدیگر منتقل کرده و در نتیجه تحت شرایط و عوامل زمینه ساز مانند فشارهای معیشتی و اقتصادی یا خیانت و امثالهم زمینه تبانی و طراحی و بروز استعداد های مجرمانه آنها در قالب همدستی ها و مشارکت های جنایی فراهم می شود.

روزگاری دیدگاه های جرم شناسی متمرکز بر این بود که زنان به لحاظ ضعف قوای جسمانی یا شدت عواطف و احساسات زنانه، میل یا انگیزه ای به ارتکاب جرایم خشن و فیزیکی ندارند و عمدتاً فعالیت و سبک و شیوه حیات مجرمانه خود را صرف جرایم مبتنی بر پنهانکاری، دسیسه چینی و رفتارهای مجرمانه ای نظیر سقط جنین، خیانت، کلاهبرداری و سرقت های ساده می کنند. در تئوری های اولیه جرم شناسی، زنان جایگاه چندانی در مطالعات نداشتند و یکی از علل آن این بود که تصور می شد جرم پدیده ای ذاتاً مردانه است و زنان اغلب قربانیان جرم هستند. این نگرش توأم با ترحم و حمایت تا چند دهه اخیر باعث شده بود نقش زنان در بزهکاری به عنوان حدود نیمی از جمعیت انسانی جوامع اساساً یا دیده نشود یا کمتر از مردان ظهور و بروز کند.

اما با گسترش نحله ها و شاخه های مطالعاتی جدید در حوزه جرم شناسی به ویژه تئوری های مبتنی بر بزه دیده شناسی جنسیتی، امروزه زنان با تغییر الگوها و شیوه های رایج و مورد انتظار، همگام با تحولات اجتماعی و متعاقب گذار برخی جوامع از مرحله سنتی به صنعتی، وارد عرصه های مجرمانه خشونت آمیز و پرخطر شده اند.

در جامعه فعلی ایران، اخیراً زوجین در اقداماتی هماهنگ و از قبل طراحی شده مبادرت به سرقت از طلافروشی ها، اماکن عمومی و شخصی کرده یا قربانی را با دام گسترسی به محل وقوع جنایت نظیر منزل مشترک یا مکان خاص کشانده و سپس نقشه شوم مجرمانه خود را اعم از قتل، اخاذی و نظایر اینها پیاده و اجرا می کنند. به طور دقیق نمی توان یک یا چند عامل را به عنوان عامل انحصاری معرفی کرد، زیرا هر کنش مجرمانه ای تحت تأثیر شرایط و اوضاع و احوال خاص خود تحقق پیدا می کند، اما از منظر کلی می توان گفت اضمحلال و کم رنگ شدن ارزش های اخلاقی و هنجاری در جامعه باعث گسترش روزافزون پدیده های مجرمانه از این قبیل شده است.



دکتر
ایوب میلیکی

عضو هیأت علمی
دانشگاه وکیل
دادگستری

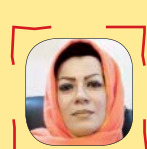
تصمیم های نادرست با تاوان سخت

در قتل هایی که به دلیل وجود نفر سوم رخ می دهد، گاهی برخی خانم ها با همسر خود همراهی می کنند که این همراهی در نتیجه احساس گناهی است که فرد در خود احساس می کند.

در چنین شرایطی بروز رفتار پرخاشگرانه در آقایان به قدری افزایش پیدا می کند که به نابودی طرف مقابل منجر می شود. تمام این واکنش ها در نتیجه انباشتگی اتفاقات کوچک روی هم است که فرصت تخلیه شدن پیدا نکرده است. با مساعد شدن شرایط نامساعد روحی و روانی، یکدفعه تمام احساسات ناخوشایند تخلیه می شود که نتیجه غمبار است.

البته تمام خانواده های درگیر با این موضوع اقدام به چنین کاری نمی کنند و این اتفاق به طور عمده در خانواده هایی رخ می دهد که از نظر فکری و فرهنگی در سطح پایینی قرار دارند، اقدامی برای تخلیه بار روانی خود انجام نمی دهند، مشاوره و روان شناس را قبول ندارند و سعی می کنند دیدگاه ها و تعصبات خود را در تصمیم گیری ها دخالت دهند. در مجموع به دنبال این هستند که چه کاری حق من است تا آن را انجام دهم که داشتن چنین تفکرات و انجام چنین رفتارهایی، نتایج مثبتی برای خانواده و حتی جامعه در پی نخواهد داشت و مخرب خواهد بود.

در هر موضوع و رخدادی، یک سری عوامل مشترک وجود دارد. یکی از این عوامل، جنبه ژنتیک آن است که زمینه و شرایط را برای انجام عملی فراهم می کند. مثلاً می گویند فلانی انسان بسیار خوبی است و انجام عملی نامتعارف از او بعید است، درحالی که ما معتقدیم هیچ غیرممکنی نیست که ممکن نشود، فقط خود غیرممکن است. عوامل دیگر، شامل جنبه اقتصادی، اجتماعی، استفاده از داروهای روانگردان و ابتلا به اختلالات روحی و روانی است که باعث می شود برخی افراد به سمت انجام برخی جرم ها سوق پیدا کنند. به طور مثال زمانی که فرد سومی وارد رابطه میان دو نفر می شود، همسر احساس می کند حریم خصوصی او خدشه دار شده است. در چنین مواقعی برخی افراد معقولانه رفتار کرده و نفر سوم را تحویل قانون می دهند یا از همسر خود نیز جدا می شوند اما به طور معمول، بسیاری از مردم این رفتار معقولانه را ندارند و به گونه ای رفتار می شود که علاوه بر زوجین، فرزند احتمالی آن خانواده نیز آسیب می بیند.



دکتر پروانه
صفایی مقدم

روان شناس بالینی،
مدرس و تحلیلگر



مادر و پدر؛ قاتل جان فرزندان



اردیبهشت ماه امسال هم با یکی از عجیب ترین خبرهای سال - قتل بابک خرمدین - توسط والدینش گره خورد. خبری که باور آن برای جامعه بسیار دشوار بود و هر لحظه ابعاد فاجعه آمیزتری از آن به بیرون درز کرد. غروب روز ۲۵ اردیبهشت ماه بود که خبر کشف قطعاتی از پیکر بابک خرمدین، کارگردان ایرانی در شهرک اکباتان، تمام اخبار کشور را تحت تأثیر خود قرار داد. جسد مثله شده او توسط یک کارگر شهرداری کشف و موضوع به کارآگاهان ویژه قتل اطلاع داده شد و والدینش خیلی زود به قتل او اعتراف کردند. در کمتر از یک ساعت، ناگهان فضای مجازی و سایت های خبری به تسخیر خبر قتل بابک و حواشی آن درآمد. مصاحبه با همسایگان و دوستان بابک لحظه به لحظه روی صفحات اینستاگرامی منتشر می شد و هریک ابعاد جدیدتری از فاجعه را فاش می کردند. در روزهایی که مردم تنها به قتل کارگردان ایرانی فکر می کردند، این بار خبر رسید والدین بابک، علاوه بر او، یکی از دختران شان به نام آرزو و همسرش را هم درست به شیوه قتل بابک، به قتل رسانده و سپس مثله کرده اند. خبر بهت آور و عجیب بود. پدر و مادر بابک هر دو بالای ۷۰ سال داشتند و انتظار قتل سه نفر توسط آنها برای همه باورناپذیر بود.

آنها در اعترافات خود گفتند بابک، آرزو و همسر آرزو را به دلیل روابط غیراخلاقی، بد رفتاری و اعتیاد به قتل رسانده اند و از قتل فرزندان خود نیز پشیمان نیستند.